ادعای اجماع از شیخ طوسی بر اجزاء صوم یوم الشک به نیت ماه رمضان

نکته‌ای که الآن در مانحن فیه مهم است، مسأله عبارت خلاف شیخ در حکم اجزاء است. یک عبارتی است که باید حتماً خوانده شود و روی آن تأمل کنید. مرحوم شیخ در خلاف چیزی دارند که کاملا مخالف با چیزی است که نزد ما معروف است. بعد هم ادعای اجماع می‌کنند. نه از باب اجماع صریح. بلکه می‌گویند از باب اطلاق معقد اجماع. آن مسأله چیست؟

> 26:20

همه ما می‌دانیم که اگر یوم الشک را به نیت شهر رمضان روزه بگیرد، مشهور در جمع روایات می‌گویند که باطل است. عبارت ایشان در خلاف این است:

> **مسألة ٢٣ إذا عقد النية ليلة الشك على أن يصوم من رمضان من غير امارة من رؤية أو خبر من ظاهره العدالة، فوافق شهر رمضان أجزأه، و قد روي أنه لا يجزيه. و ان صامه بأمارة من قول من ظاهره العدالة من الرجال أو المراهقين دون المنجمين فإنه يجزيه أيضا. دليلنا: ما قدمناه من إجماع الفرقة و أخبارهم على أن صام يوم الشك أجزأه عن شهر رمضان، و لم يفرقوا. و من قال من أصحابنا: لا يجزيه، تعلق بقوله: أمرنا بأن نصوم يوم الشك بنية أنه من شعبان، و نهينا أن نصومه من رمضان» و هذا صامه بنية رمضان، فوجب أن لا يجزيه لأنه مرتكب للنهي، و ذلك يدل على فساد المنهي عنه.[1]**

«إذا عقد النية ليلة الشك على أن يصوم من رمضان»؛ عبارات روشن است. شب شک است، نیت می‌کند که فردا به نیت شهر رمضان روزه می‌گیرم. حال چه چیزی داری؟ اماره داری یا نداری؟ ببینید یکی از مواردی است که در اینجا جدا کرده‌اند. **«من غير امارة من رؤية أو خبر من ظاهره العدالة»**؛ خبری که حجت باشد. **«فوافق شهر رمضان»**؛ بدون اماره نیت شهر رمضان کرد و موافق در آمد، **«أجزأه، و قد روي أنه لا يجزيه»**؛ «لایجزیه» که مشهور است را ایشان به «روی» تعبیر کرده‌اند. اما فرموده‌اند «اجزاه». این از موارد مهم خلاف است که به نظرم قبلاً از جواهر هم گفته‌ام. جواهر این عبارت خلاف را با یکی دیگر جمع می‌کنند و ذکر می‌کنند.

می‌فرمایند مستحب است:

> **وعلى كل حال فالمراد ما في النصوص السابقة من النهي عن صومه على انه من شهر رمضان ، إذ صوم يوم الشك لا بهذه النية بل نية انه من شعبان مندوب اليه بلا خلاف فيه بيننا إلا من المفيد فيما حكي عنه ، فكرهه على بعض الوجوه ، وهو شاذ ، بل على خلافه النصوص والإجماع في محكي الانتصار والغنية والخلاف وظاهر غيرها كالتنقيح والروضة ، بل هو أولى من حمل النهي عن صومه فيما سمعت على التقية ، لأنه مذهب جماعة من العامة ، وإن كان يشهد له بعض المعتبرة «عن اليوم الذي يشك فيه فان الناس يزعمون ان من صامه بمنزلة من أفطر في شهر رمضان فقال : كذبوا ، إن كان من شهر رمضان فهو يوم وفق له ، وإن كان من غيره فهو بمنزلة ما مضى من الأيام » كل ذلك مضافا إلى ما فيه من التشريع المقتضي لعدم تحقق الامتثال ، خلافا لابني أبي عقيل والجنيد فاجتزيا بها عن شهر رمضان ولو صادف ، وعن خلاف الشيخ اختياره محتاجا عليه بإجماع محتاجا عليه بإجماعالفرقة وأخبارهم على ان من صام يوم الشك أجزأ عن رمضان ولم يفرقوا ، وهو كما ترى**[2]

«بل هو أولى من حمل النهي عن صومه فيما سمعت على التقية»؛ حمل می‌کنیم به اینکه اگر نیت شهر مبارک بکند روزه‌اش باطل است. نه اینکه تقیه است. **«...كل ذلك مضافا إلى ما فيه من التشريع المقتضي لعدم تحقق الامتثال، خلافا لابني أبي عقيل والجنيد »**؛ قدیمین، **«فاجتزيا بها عن شهر رمضان ولو صادف»؛** یعنی ولو نیت ماه مبارک هم کرده قدیمین فتوا داده‌اند که درست است. «و عن خلاف الشيخ اختياره»؛ سه نفر شدند. **«محتاجا عليه بإجماعالفرقة وأخبارهم على ان من صام يوم الشك أجزأ عن رمضان ولم يفرقوا ، وهو كما ترى»**؛ منظور اینکه در جواهر سه قول بود.

حال عبارت خلاف را ببینید. ایشان فرمودند «**اجزأه**»؛ ولو نیت ماه مبارک کرده مجزی است. حال دنباله عبارت را ببینید.

«و ان صامه بأمارة من قول من ظاهره العدالة من الرجال أو المراهقين دون المنجمين»؛ مردم و مراهق با چشم دیده‌اند، اما منجم که با چشم ندیده، بلکه محاسبه می‌کند. «**فإنه يجزيه أيضا**»؛ اگر او نیت ماه مبارک کرد باز مجزی است.

«دليلنا: ما قدمناه من إجماع الفرقة و أخبارهم على أن صام يوم الشك أجزأه عن شهر رمضان، و لم يفرقوا»؛ یعنی یک مطلبی گفته‌اند که ظاهرش اطلاق دارد. «و لم یفرقوا»؛ بین اینکه صام عن شهر رمضان، یا صام عن شهر شعبان. این را شیخ فرمودند. پس اطلاق اجماع اصحاب، صحت این روزه را می‌گیرد.

«و من قال من أصحابنا: لا يجزيه، تعلق بقوله: أمرنا بأن نصوم يوم الشك بنية أنه من شعبان، و نهينا أن نصومه من رمضان» و هذا صامه بنية رمضان، فوجب أن لا يجزيه لأنه مرتكب للنهي، و ذلك يدل على فساد المنهي عنه»؛ منهیٌ‌عنه فاسد است و باید قضا کند. حال چطور شیخ از اجماع اطلاق‌گیری کرده‌اند و فرموده‌اند که مجزی است، اما دلیل مقابل را قبول نکرده‌اند. ولی در هم نکرده‌اند. مبنای خودشان در عده این است که «النهي يدل على الفساد». این مبنای خودشان است. در اینجا هم که فرمودند «نهینا»! پس ظاهرش این است که این

سند را قبول ندارند. چون سند «نهیان» در روایت اصلی از امام زین العابدین علیه‌السلام، زهری از حضرت نقل کرده است. لذا سند، عامی میشود. معلوم میشود که جناب شیخ در خلاف به سند اعتنا نکرده‌اند و تنها قول آنها را نقل کرده‌اند. منهیٌ عنه فاسد است. ولی خب ایشان هم دلالت را قبول دارند. اما ظاهرش این است که سند را قبول نداشته‌اند.

شاگرد: ظهور در اینجا همان لیلة الشک فعلی است؟

استاد: بله، لیلة الشک، ظهور فعلی است. اما منظور من از خواندن این عبارت این بود که ایشان از اطلاق اجماع حتی درجایی‌که نیت ماه مبارک بکند که مشهور میگویند باطل است، ایشان برای اجزاء و حکم وضعی که بحث ما در روایت ابن خلاد بود، حتی در آن جا هم میگویند صحیح است. یعنی ایشان این قدر مسأله اجزاء را توسعه داده‌اند که حتی اگر نیت ماه مبارک هم بکند باز مجزی است. اما اینکه لیلة الشک کدام شک است؟ خودشان گفته‌اند: «ليلة الشك على أن يصوم من رمضان من غير امارة»؛ «من غیر امارة» یعنی شک دارد؟! تصریح میکنند که شک نیست. عبارت را ببینید؛ لیلة الشک یعنی شک باشد. خودشان میگویند «من غیر امارة»، یعنی شک شانی است.

> 33:45

شاگرد: «من غير امارة من رؤية أو خبر من ظاهره العدالة».

استاد: یعنی ما یسبب الشک نیست اما ... . یوم الشک میشود یوم الشک شانی؛ همانی که میرزای قمی فرمودند. عبارت را بخوانم.

شاگرد۲: مسأله بیستم هم تأیید فرمایش شما است.

استاد: «إذا أصبح يوم الشك و هو يوم الثلاثين من شعبان، و يعتقد أنه من شعبان بنية الإفطار، ثم بان أنه من شهر رمضان لقيام البينة قبل الزوال قد اجزاه».

شاگرد: یوم الثلاثین دارند. گویا این همانی دارد.

استاد: این بیست بود و آن بیست و سه. «إذا عقد النية ليلة الشك على أن يصوم من رمضان من غير امارة»؛ این «من غیر امارة» یعنی «من غیر شک». پس چرا فرمودند «یوم الشک»؟ یعنی یوم الشک شانی که یوم الثلاثین است، من غیر شک بالفعل. ظاهر عبارت این است.

شاگرد۲: من میخواهم طوری بگویم که این شک، شک فعلی باشد. قطع نظر از مسأله بیستم.

استاد: چون روایاتی امر به گرفتن در روز غیم دارند، اصلاً شاید آن جدا باشند. اینکه شهید هم آنها را جدا کردند، «اذا کان العلة» یک چیز است؛ ابر اصلاً شانیت ندارد که به‌دنبال آن بروید. اما اینکه هوا صاف بوده و اختلاف در رؤیت شده...؛ الآن یادم نیست که در عبارت خلاف، مسأله غیم را مطرح کرده‌اند یا نه. من عبارتشان را آورده‌ام. در فدکیه هست. شما الآن یک مروری بکنید.

شاگرد: اینکه میگوید اگر نیت رمضان نکند، همه قبول دارند که مجزی است، این شانی است؟

استاد: در یوم الشک من غیر امارة.

شاگرد: میفرمایند اگر نیت رمضان کند من میگویم مجزی است و عده‌ای میگویند مجزی نیست. اما اگر نیت رمضان نکند قطعاً مجزی است. یعنی همه شانی را میگویند که مجزی است؟

استاد: عبارت شیخ در خلاف را می‌گویید؟

شاگرد: بله

استاد: همه می‌گویند یعنی آن‌ها می‌گویند اگر «من غیر امارة» بود،...

شاگرد: اگر به نیت رمضان باشد شیخ هم می‌فرمایند که مجزی است. اما اگر نیت رمضان نکرده می‌فرمایند بقیه قبول دارند که مجزی است. خب بقیه شانی ای فعلی را می‌گویند که مجزی است؟

استاد: کسانی که می‌گویند اگر نیت ماه مبارک نکرد، مجزی است؛ اگر محور سخن ایشان جایی است که «من غیر امارة» باشد؛ یعنی آن‌ها می‌گویند «من غیر امارة» به نیت ماه شعبان بود... .

شاگرد: یعنی شانی ای فعلی است که همه می‌گویند مجزی است؟

استاد: خب در عبارت ایشان قرار شد که اول شک شانی باشد، و در «من غیر امارة» فعلی را بگویند. پس دیگران هم شانی را می‌گویند.

شاگرد: شاید «من غیر امارة» می‌خواهد وجهی را درست کند که چون نیت رمضان کردی؛ یعنی یک وقتی شما برای اینکه نیت رمضان کنی یک امارهای داری، این هیچی. اما اگر امارهای نبود آیا می‌توان نیت رمضان کرد یا نمی‌شود؟ یعنی برای نیت رمضان یک وجهی داریم یا نداریم؟ اگر برای نیت رمضان امارهای داشتید، درست. اما شیخ می‌فرمایند اگر نیت رمضان نکردی باز هم درست است. اما دیگران می‌گویند... .

استاد: اگر نیت رمضان بکنی درست نیست ولی اگر نیت دیگری بکنی، آن هم «من غیر امارة»، یعنی «من غیر شک بالفعل».

شاگرد: عرض می‌کنم چه بسا این اماره برای فعلیت شک نباشد. برای بحث نیت رمضان باشد. یعنی یوم الشک باشد... .

استاد: یعنی می‌خواهید بگویید که عبارت ساکت است از اینکه به آن‌ها نسبت بدهید؛ یعنی آن‌ها می‌گویند اگر «من غیر امارة» نیت شعبان کند، علی ای تقدیر مجزی است. یعنی قید را به آن زده باشد. حالا روی عبارت بیشتر تأمل می‌کنیم.

شاگرد۲: در همین مسأله نهم از ابن عمر نقل می‌کند: «ان كان صحوا كره، و ان كان غيما لم يكره».

استاد: بله، این تفصیل را به او نسبت داده‌اند. حالا باید ببینیم این تفسیر ابن عمر بازتابی در سایر فرمایشات ایشان در خلاف داشته ای نه.

---

[1] الخلاف، ج۲، ص: ۱۸۰

[2] جواهر الكلام ج۱۶ ص۲۰۸

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 13:50:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 13:53:43 توسط ... .